

واکاوی گسترش پوپولیسم در شرق اروپا

مطالعه موردی کشورهای گروه ویشگراد ۲۰۱۸-۲۰۰۸

محسن شریف خدایی

گروه روابط بین الملل، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

محمدرضا دهشیری^۱

استاد علوم سیاسی دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران

محمدرضا قاندي

استادیار گروه علوم سیاسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران

ارسلان قربانی

استاد گروه روابط بین الملل و عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت ۹۸/۱۰/۰۵ - تاریخ تصویب ۹۹/۱۲/۱۴)

چکیده

با فروپاشی نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد، کشورهای مرکزی و شرقی اروپا که تازه از نظام کمونیستی رها شده بودند در تلاش برآمدند تا به ساختارهای اروپایی به پیوندند. کشورهای گروه ویشگراد در موج اول گسترش در سال ۲۰۰۴ به اتحادیه اروپا پیوستند. بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ روند اصلاحات در شرق این قاره را با کندی مواجه کرد. سیل مهاجرین به اروپا متأثر از بحران سوریه، کشورهای جنوب و مرکز اروپا را غافلگیر کرد و احزاب ملی و راست افراطی در مقابل این پدیده بشدت مقاومت کردند. پژوهش حاضر درصدد است تا به این سؤال پاسخ دهد که چگونه پدیده پوپولیسم در میان کشورهای گروه ویشگراد در فاصله سالهای (۲۰۰۸-۲۰۱۸) گسترش یافت؟ فرضیه تحقیق مشکلات اقتصادی، بحران مهاجرین و سرخوردگی از سیاست های اتحادیه اروپا را موجب گسترش پوپولیسم در کشورهای شرق اروپا می داند. نحوه پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و گردآور اطلاعات با استفاده از منابع اسنادی- کتابخانه ای و یافته های تحقیق نشان میدهد که گسترش پدیده پوپولیسم نه تنها موجب انشقاق در همگرایی اروپایی شده، بلکه گفتمان بیگانه ستیزی و اسلام هراسی را در این منطقه شدت بخشیده است.

واژه های کلیدی: پوپولیسم، شرق اروپا، گروه ویشگراد.

Email: mohammadreza_dehshiri@yahoo.com

^۱ نویسنده مسئول

فصلنامه علمی مطالعات روابط بین الملل، سال سیزدهم، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۹۹، صص. ۱۲۰-۹۵.

DOR:20.1001.1.24234974.1399.13.4.5.1

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

مقدمه

تحولات پایان دهه ۱۹۸۰ و ابتدای دهه ۱۹۹۰ که منجر به خاتمه دوران جنگ سرد و فروپاشی نظام شوروی سابق گردید، تأثیرات عمیقی در ساختارهای سیاسی و اقتصادی کشورهای مرکز و شرق اروپا برجای گذاشت. مردم اغلب این کشورها بجز رومانی توانستند طی یک روند مسالمت آمیز با اعتراضات مدنی سران رژیم سابق را وادار به استعفا و کناره‌گیری نموده و نظامی نو راجایگزین نماید.

دهه ۱۹۹۰ دوران فروپاشی، جابجایی و انتقال قدرت در کشورهای اروپای مرکزی و شرقی بود و آن‌ها توانستند در سال‌های ابتدای هزاره سوم، الگوی جدید اتحادیه اروپایی را برگزیده و جایگزین ساختار گذشته نمایند. در موج اول این تحولات در سال ۲۰۰۴، هشت کشور اروپای مرکزی و شرقی شامل لهستان، مجارستان، جمهوری چک، اسلونی، اسلواکی، استونی، لیتوانی و لتویا که همه از اقمار شوروی سابق و یا بخشی از آن بودند به عضویت اتحادیه اروپا درآمدند و در مراحل بعد به ترتیب کشورهای رومانی و بلغارستان و با فاصله‌ای دورتر کرواسی به این مجموعه ملحق شدند. کشورهای نوظهور انتظار داشتند همگرایی با اتحادیه اروپا و پیوستن به ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، پایه و بنیان‌های اقتصادشان را بهبود بخشیده و به جمع جوامع پیشرفته و توسعه یافته غرب درآیند. دیری نپائید مشکلات اقتصادی اروپا متأثر از بحران مالی ۲۰۰۸، فشار مضاعفی را بر کشورهای تازه وارد بویژه آنهایی که به حوزه پولی یورو درآمده بودند وارد ساخت. علل و عوامل دیگری از جمله موج مهاجرت به اروپا متأثر از بحران خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه فاجعه انسانی در سوریه در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، کشورهای اروپای شرقی را غافلگیر کرد. در حالی که اتحادیه اروپا قادر به جلوگیری و ایجاد مانع بر سر راه ورود سیل مهاجرین خارجی به اروپا نبود، اختلاف میان سیاستمداران در شرق و غرب این قاره شکلی علنی یافت و منجر به رویکردی متفاوت در شرق اروپا شد. در چنین شرایطی پوپولیسم راست‌گرا به مثابه یک جریان افراطی، توانست جایگاه خود را طی یک دهه اخیر در میان افکار عمومی و ساختار سیاسی

کشورهای اروپایی بویژه در شرق این قاره بهبود بخشد و در کانون توجه قرار گیرد. در حال حاضر پوپولیست‌ها در هفت کشور اروپای شرقی از جمله لهستان، مجارستان، جمهوری چک، اسلواکی، بلغارستان، صربستان و بوسنی و هرزگوین، قدرت را در دست گرفته و در سایر کشورهای این قاره روندی رو به رشد دارند. به طوری که پوپولیسم و جریان راست افراطی از حوزه بالتیک و دریای اژه فراتر رفته و بخش عمده‌ای از شرق اروپا را به تسخیر درآورده است. نمونه‌هایی از آن در حال حاضر در لهستان، مجارستان و جمهوری چک به وضوح به چشم می‌خورد. واکاوی گسترش پدیده پوپولیسم در کشورهای گروه ویشگراد و یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر در کشورهای لهستان، مجارستان و جمهوری چک از اعضای این گروه، در حالی اهمیت می‌یابد که تقابل جریان راست افراطی با مهاجرین، بویژه مسلمانان تصویری روشن از شتاب گرفتن این پدیده ارائه می‌نماید و در عین حال خطری را گوشزد می‌کند که تاریخ ممکن است به شکلی تکرار و فاجعه‌آفریند. در نتیجه این سوال پیش رو قرار دارد که: "چه عواملی موجب شکل‌گیری و گسترش این پدیده در فاصله سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ در شرق این قاره شده است". فرضیه پژوهش: "مشکلات اقتصادی، بحران مهاجرین و سرخوردگی از سیاست‌های اتحادیه اروپا را موجب گسترش پوپولیسم در کشورهای گروه ویشگراد می‌داند". واکاوی گسترش پدیده پوپولیسم در شرق اروپا و بررسی عوامل تأثیرگذار داخلی و خارجی از جمله مشکلات اقتصادی، سرخوردگی از سیاست‌های اتحادیه اروپا، افزایش موج مهاجران خارجی، نتایج همه‌پرسی خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، بعنوان متغیرهای تأثیرگذار، می‌توانند ما را در یافتن پاسخی روشن به سوال اصلی در کند و کاو حاصل از نتایج این تحقیق در چارچوب نظریه آشوب یاری رسانند.

۱. چارچوب نظری و مفهومی

چارچوب نظری پژوهش حاضر بر مبنای "نظریه آشوب ویی نظمی" تدوین شده است.

۱-۱. نظریه آشوب^۱

بی‌گمان هر دوره، از دید مردمی که در دل آن دوره بسر می‌برند پر هرج و مرج به نظر می‌رسد و دهه‌های پایانی سده بیستم و سال‌های آغازین سده بیست و یکم نیز از این قاعده مستثنی نیستند. آشوب در سیاست هر کشور و در هر دوره‌ای وجود داشته و دارد ولی در اینجا مقصود، آشوب در نظام بین‌الملل و دگرگونی‌هایی است که بازتاب این آشوب می‌باشند (روزنا^۲، ۱۳۸۴: ۲۶). آشوب چیزی فراتر از هنگامه و غوغایی است که با دگرگون شدن متغیرهای اصلی بروز می‌کند. بلکه وجه مشخصه اصلی سیاست آشوب زده، بلا تکلیفی و عدم اطمینان است. نوسان متغیرها معمولاً از الگوهای مشخصی تبعیت می‌کنند و با بروز آشوب، قاعده مندی‌ها از بین می‌رود. از این منظر، با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۸۹، به سرعت در کشورهای مرکز و شرق اروپا خیزش‌هایی بپا شد و مردم به خیابان‌ها و میدان‌های شهر هجوم آوردند و خواستار تغییر حاکمیت شدند. بر اساس نظریه روزنا، پارادایم‌های حاکم بر روابط بین‌الملل متأثر از تحولات فزاینده سال‌های پایانی قرن بیستم تغییر یافته و نظام بین‌الملل به صورت‌بندی تازه‌ای در این خصوص نیازمند است. آشوب منجر به آن می‌شود که هر تغییر کوچک به سرعت به مرجع تحولی بزرگ در کل مجموعه تبدیل شود. این تحولات را می‌توان تابع اصول، قواعد و محاسباتی خاص ارزیابی کرد که تحلیل‌گران سیاسی به ایده "نظم در عین بی‌نظمی" معتقدند. از ویژگی‌های نظریه آشوب، "اثر پروانه‌ای" است، به این معنا که یک تغییر جزئی در شرایط اولیه معادلات قابل پیش‌بینی، منجر به نوسانات عظیم در پاسخ سیستم و تغییرات شدید در نتایج حاصل از آن می‌شود. بی

^۱ Chaos Theory

^۲ James Rozena

نظمی به اختلالات داخلی و درونی باز می گردد، در حالیکه اثر پروانه ای به عوامل خارجی مربوط می شود. (الوانی، ۱۳۸۷: ۸)

باتوجه به این که پژوهش حاضر قابلیت تطبیق با نظریه آشوب و بی نظمی را دارد، در نتیجه گسترش پوپولیسم را می توان بر اساس شاخص های شرایط اولیه (اثر پروانه ای) و تکرار پذیری در میان جوامع کشورهای گروه ویشگراد مورد واکاوی قرار داد.

۲-۱. پوپولیسم

پدیده "پوپولیسم" شکلی از سیاست های توده ایست. ایده اصلی آن، بر ادعای نمایندگی و یا عمل به نام مردم، واکنش آشکار اکثریت توده ها در تقابل با نخبگان، افراد ممتاز و یا گروه ها و بلوک قدرت استوار است. (تاگیف ولیوژی، ۱۳۹۶: ۳۴-۳۵). پوپولیسم آموزه و روش سیاسی در طرفداری کردن یا طرفداری نشان دادن از حقوق و علائق مردم عامه در برابر گروه نخبگان است. پوپولیسم دارای مشخصات عوام فریبی، تقدس، رهبر کاریزما (فرهمند)، تعصب، ضدیت باتشکیلات، تکیه بر توده های محروم و عناصری از ضدیت با امپریالیسم، از دیگر معیارهایی است که راست افراطی در کارزارهای انتخاباتی از آن بهره برداری می کند. (مولر، ۱۳۹۶: ۹)

پوپولیسم راست گرا بیشتر در شمال، مرکز و شرق اروپا رویکردی ملی گرایانه و افراطی دارد و طبقه نخبگان سیاسی و برگزیدگان را نقد می کند. از سویی پوپولیسم چپ گرا که بیشتر در مناطق جنوب اروپا فعال است بر مخالفت با سرمایه داری و جهانی سازی تمرکز داشته و منتقد ساختار نظام حاکم می باشد (Skolkay, 2018:12-18). موج جدید پوپولیسم متعاقب با حادثه ۱۱ سپتامبر در جهان به راه افتاد.

۲. پوپولیسم در شرق اروپا و مولفه های شکل گیری آن

هنگامی که در سال ۱۹۸۹ جنگ سرد به پایان رسید و رژیم های کمونیستی در شرق اروپا فروپاشیدند، مسابقه برای الگو برداری و پیوستن به غرب، مأموریت مشترک همه

¹ Populism

کشورهای اروپای مرکزی و شرقی بود. در این حال سیاستمداران لیبرال محبوبیت شان روبه افزایش گذاشت و در لهستان، مجارستان و جمهوری چک به قدرت رسیدند. بسیاری از رهبران اروپای مرکزی و شرقی بویژه کشورهای گروه "ویشگراد" در این حوزه با عزمی راسخ تصمیم گرفتند به اتحادیه اروپا ملحق شوند و تعدادی از آنها در موج اول در سال ۲۰۰۴ به عضویت اتحادیه درآمدند. (Schmidt, 2017:36)

پس از دو دهه سخت و پر التهاب و عملکرد ضعیف احزاب لیبرال، در نتیجه رویکرد تقلید و الگوبرداری از غرب را با سؤالی جدی مواجه ساخت (P.Ramat M, 2010:98). در عین حال، چند سال بعد از پیوستن به اتحادیه اروپا، کشورهای گروه ویشگراد با ظهور پدیده پوپولیسم و سیاست‌های ضد لیبرال در این حوزه مواجه شدند. پدیده پوپولیسم در شرق اروپا با رویکرد بدبینی و نفی نخبگان و احزاب سنتی و انتقاد نسبت به عملکرد دولتمردان و احزاب حاکم گسترش یافت. این پدیده دارای ابعاد و مولفه‌هایی اقتصادی، فرهنگی و امنیتی می باشد. زمینه‌های شکل‌گیری پوپولیسم جدید از جمله پوپولیسم راست‌گرا در اروپای شرقی، هم‌زمان با پدیده گسترده جهانی شدن لیبرال پیوند خورده است. (Becker, 2010: 29-40)

۱-۲. مولفه‌های اقتصادی

در تمامی کشورهای اروپایی به ویژه اروپای شرقی، روند کاهش کمک‌های دولتی به لایه‌های محروم جامعه را می‌توان متأثر از هزینه آزادسازی اقتصادی و تضعیف "دولت رفاه"، که آشکارا شکاف طبقاتی را در این کشورها تشدید کرد مشاهده کرد است. توجیه مسئولان اتحادیه اروپا در زمینه کاهش کمک‌های دولتی به اقشار محروم جامعه، اشاره ایست به رقابت اقتصادی با دیگر کشورها و پرداخت هزینه در چارچوب بازار آزاد در ابعاد جهانی که پیامد آن در برخی جوامع اتحادیه اروپا به اعتراضات گسترده و جنبش‌های خیابانی منجر شد. بسیاری از اقشار محروم و میانی در این کشورها، این احساس را داشته که دولت‌هایشان خواهان بهبود وضعیت معیشتی آنها نبوده و احزاب سنتی لیبرال تنها به وعده‌های

توخالی پیش از برگزاری هر انتخابات بسنده می‌کنند. این امر سبب نومی‌دی از احزاب سنتی و دولتمردان در شرق اروپا شد و در نتیجه آنها به سمت احزاب پوپولیست روی آوردند (Gros and Steinherr, 2008: 61-63).

۲-۲. مولفه های فرهنگی

روند جهانی شدن نه تنها استانداردهای اقتصادی مناطق گوناگون را با یکدیگر نزدیک نموده، بلکه تفاوت میان هنجارهای اخلاقی و اشکال متنوع زندگی را دچار اختلال کرده است. روند روبه گسترش مهاجرت به اروپا در سال های اخیر به ویژه در کشورهای جنوب و اروپای مرکزی بی سابقه بوده است. بنا به ارزیابی سازمان ملل، اروپا در یک دهه اخیر با موج گسترده مهاجرت و پناهجویی روبرو شده است. روند جهانی شدن، تحولات دیجیتالی و شبکه‌های مجازی و ارتباطی بر افزایش این پدیده افزوده و حضور مهاجران در کشورهای اروپایی به هم زیستی ناخواسته فرهنگ های مختلف در جوامع شهری منجر شده است. به رغم شعارهای برخی احزاب لیبرال، جوامع چند فرهنگی برای بخش قابل توجهی از شهروندان اروپای مرکزی و شرقی قابل پذیرش نبوده و حضور فرهنگ های بیگانه نوعی تجاوز به هویت آنان به شمار می آیند. برخی هنجارهای فرهنگی مهاجران خارجی به ویژه مسلمانان که ممکن است در تقابل با ارزش‌ها و حتی مقررات موجود در جوامع کشورهای میزبان باشد، با بیگانه ستیزی و اسلام هراسی از سوی احزاب راست افراطی و پوپولیستی مواجه بوده و در نتیجه برخی از شهروندان اینگونه جوامع که احساس می کنند دولت های شان قادر به پاسخگویی به معضلات فرهنگی و اجتماعی نیستند، راه حل های ساده پوپولیستی را جایگزین درمان مشکلات پیچیده می نمایند. (دهشیری و قاسمی، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۳)

۲-۳. مولفه های امنیتی

دخالت کشورهای غربی در خاورمیانه و شمال آفریقا به ویژه در لیبی و سوریه، منجر به بحران و ناامنی در این مناطق گردید و سیل مهاجران را به سوی جنوب و شرق و غرب اروپا راهی کرد. دولت مردان اروپایی تاکنون راه حلی موثر در این رابطه ارائه نکرده و شهروندان

آن کشورها به شدت به موضوع امنیت اجتماعی در جوامع شان حساس هستند. برخی اقدامات تروریستی از سوی بنیادگرایان اسلامی در برخی مراکز و شهرهای اروپایی طی سال‌های گذشته، دامنه این نگرانی را تشدید کرده است. تکرار حوادث تروریستی، افزایش جرایم سازمان یافته و تخلف و بی قانونی در عرصه‌های اجتماعی از جمله مواردی است که احساس ناامنی میان شهروندان راهمچنان دامن می زند. (حسینی زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۸۴-۱۱۲)

۳. عوامل شتاب دهنده گسترش پوپولیسم در شرق اروپا

عوامل شتاب دهنده گسترش پوپولیسم در شرق اروپا از جمله بحران هویت، بحران توزیع منابع، بحران نمایندگی، از جمله عوامل درونزا بشمار می آیند، درحالی که بحران اقتصادی و بحران مهاجرین، همچنین پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات آمریکا و رفراندوم خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) را می توان بعنوان عوامل خارجی و برونزا در این رابطه در نظر گرفت.

۳-۱. عوامل درونزا

روند جهانی شدن که متاثر از تغییرات سریع در ساختارهای اقتصادی - اجتماعی، فناوری های جدید ارتباطات، تلفیق فرهنگ های گوناگون در عرصه جهانی می باشد را عامل اساسی بحران هویت در اروپا و جهان می دانند. در این رابطه پوپولیسم در خصوص کم رنگ شدن هویت ملی افراد در جوامع اروپایی و افزایش مهاجرین هشدار داده است (دهشیری، ۱۳۹۶: ۶۹). بیکاری، افزایش مالیات، کاهش سطح رفاه و استانداردهای زندگی مردم از جمله عواملی هستند که پوپولیسم نسبت به آنها واکنش نشان داده و این امر را ناشی از ناکارآمدی احزاب حاکم، عملکرد دولتمردان و نخبگان و هزینه گزاف در پیوستن به ساختارهای لیبرالیسم می داند. پوپولیست ها در خصوص کارایی و عملکرد سیاستمداران، دولتمردان و نمایندگان مردم تشکیک نموده، آنها را نمایندگان واقعی مردم ندانسته و در مقابل، خود را صدای واقعی مردم می دانند (اندیشکده تونی بلر، ۱۳۹۶).

۲-۳. عوامل برونزا

بحران اقتصاد جهانی، بحران مهاجرین، پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات و خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) از جمله عوامل برونزاد گسترش پوپولیسیم در شرق اروپا بشمار می آیند.

۱-۲-۳. بحران اقتصاد جهانی

جنبش های پوپولیستی از زمان رکود اقتصاد جهانی با شدتی بیشتر نمایان شد و روند رشد و توسعه در جوامع مرکزی و شرقی اروپا تحت تاثیر افزایش احساسات ضد مهاجرتی و افراطی قرار گرفتند (ناواریو، ۱۳۹۸: ۳۶). بحران مالی آمریکا که از سال ۲۰۰۸ آغاز شد به سرعت به بحران اقتصاد جهانی تبدیل شد و دولت های ضعیف اروپا از جمله یونان، ایرلند، پرتغال، اسپانیا، ایتالیا به ویژه کشورهای حوزه یورو را مورد تهدید جدی قرار داد و تا مرکز و شرق اروپا از لهستان، مجارستان، اسلونی، اسلواکی و تا حدی کم تر تا جمهوری چک سرایت کرد. چیزی نگذشت که این بحران به اوج خود رسید و دامنه آن همه اعضای اتحادیه رادبر گرفت. ولی میزان این تاثیر گذاری و ابعاد آن در میان کشورهای عضو یکسان نبود و متناسب با عواملی مانند حجم ترکیدن حباب در بخش مستغلات و مسکن و یا حضور در مراکز مالی بزرگ، متاثر از این بحران بود. در چنین شرایطی که اتحادیه اروپا بیش از هر زمان دیگر به وحدت و همبستگی بیشتر نیاز داشت، اختلاف نظر بر سر چگونگی راه حل، به چالش میان اعضا مبدل شد. در نتیجه آلمان از برنامه سخت گیرانه ریاضت اقتصادی و فرانسه با فروش اوراق قرضه از سوی اتحادیه موافقت کردند. در این حال اختلاف نظر میان مرکل و سارکوزی روسای کشور آلمان و فرانسه بر شدت اوضاع افزود. اما ابعاد فاجعه بیش از این بود و بحران کم کم به درون باز خورد کرد و به واگرایی در داخل اتحادیه از جمله در مرکز و شرق اروپا مبدل گردید (نقیب زاده، ۱۳۹۱: ۹-۲۳). اروپا در فاصله سال های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ در یک بحران مالی و اقتصادی که فرایند واگرایی را در میان اعضا شتاب بخشید، درگیر شد و شکاف بین کشورهای فقیر و غنی، جنوب و شمال، وام گیرنده و وام دهنده، همچنین تقابل

رویکرد اروپا گرایان و آمریکا گرایان را در میان شرق و غرب اروپا تسریع کرد. (Balazs, 2014, E.C.)

اعضای جدید در شرق اروپا تصور داشتند بعد از همگرایی با اتحادیه، احساس بهتری نسبت به گذشته داشته ورفاه بیشتری از عضویت در اتحادیه نصیب آنها گردد. اما با گذشت بیش از یک دهه از پیوستن، آنها احساس می کنند نه تنها وضعیت اقتصادی شان بهبود نیافته، بلکه تحت فشار اعضای قدرتمند اتحادیه قرار گرفته اند. در چنین حالی، آنها حاضر نیستند حاکمیت ملی شان را به یک تشکل فراملی واگذار نموده و اندکی از آن چشم پوشی کنند. بحران اقتصادی، روند واگرایی در درون اتحادیه را تسریع کرد و پدیده پوپولیسم را در میان کشورهای مرکز و شرق اروپا گسترش داد. رویکرد نظارتی و اعمال سیاست های سخت گیرانه و ریاضت اقتصادی از سوی کمیسیون اروپا بر اقتصادهای ملی و تحریم کشورهای شرق اروپا، منجر به عکس العمل در میان گروه ویشگراد، در اروپای مرکزی شد (Berman, 2018:16-22). بازتاب مستقیم بحران اقتصادی، در به قدرت رسیدن برخی احزاب پوپولیست در اروپا از جمله احزاب پوپولیستی "فیدز" در مجارستان و حزب "قانون و عدالت" در لهستان و در نهایت پیروزی حزب "آنو" در جمهوری چک، تبعاتی بر واگرایی در اتحادیه به همراه داشته است.

۳-۲-۳. بحران مهاجرین

از جمله مسائلی که به اقبال گروه‌های راست افراطی و پوپولیسم در اروپا منجر شد، میزان بیکاری و کاهش فرصت های شغلی در میان کشورهای اروپایی در نتیجه موج مهاجرت پناهجویان و آوارگان سوری و عراقی در سال ۲۰۱۵ به اروپا بوده است. بحران مهاجران و پناهجویان در اروپا، متعاقب با موج اول گسترش این پدیده در پایان جنگ جهانی دوم تاکنون بی سابقه بوده است. روند گسترش پوپولیسم به شکل "دومینو"^۱ به ویژه با حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید و اقبال به کاندیداهای راست افراطی در جریان انتخابات پارلمان

^۱ Domino Effect

اروپا گسترش داشته است. دونالد ترامپ رئیس جمهور ایالات متحده که در اعمال سیاست های افراط گرایانه ضد مهاجرتی مشهور است، این رویکرد را یکی از راهبردهای اصلی سیاست خود قرار داده و تاکنون با جدیت دنبال کرده است. (عسکری، ۱۳۹۶: ۷۷-۸۰)

با ورود هر پناهجو، کشور میزبان برای بررسی تقاضا، تغذیه، اسکان، بهداشت، آموزش و سایر خدمات مربوط به آنها، هزینه می نماید. این فرایند با توجه به قوانین و مقررات کشورهای مختلف، سالها زمان بر بوده و هزینه های هنگفتی را به کشورهای میزبان تحمیل می نماید. چنانچه این کشورها دارای رونق اقتصادی باشند، ورود مهاجران نه تنها نیروی کار بومی را محدود نخواهد کرد، بلکه برخی نیازها و کمبودهای مهارتی در این کشورها را جبران می کند. اما اگر اقتصاد کشوری با رکود مواجه باشد، ورود مهاجران، مشکلات اساسی در بازار کار به وجود آورده و اشتغال نیروهای بومی را با تهدید مواجه می نماید و در نتیجه ابعاد مهاجر ستیزی را گسترش خواهد داد و زمینه نفرت و جلوگیری از ورود پناهجویان به خاطر احساس خطر از دست دادن شغل در کشورهایی که اقتصاد آسیب پذیری دارند را بوجود می آورد. (یورونیوز، ۱۳۹۸)

با هجوم بی سابقه صدها هزار مهاجر جنگ زده به کشورهای شرق و غرب اروپا از جمله مجارستان، صربستان، کرواسی، همچنین آلمان و فرانسه، اتحادیه اروپا طرح سهمیه بندی مهاجران در کشورهای عضو را در دستور کار قرار داد. این طرح با مخالفت شدید بسیاری از دولت ها از جمله اتریش، مجارستان، لهستان، جمهوری چک، اسلواکی و برخی دیگر مواجه گردید و به یک جدال سیاسی از سوی دولتمردان آن کشورها با بروکسل منتهی شد. زمانی که الگوی غربی شدن به سرعت در شرق اروپا تحقق نیافت، یک راه حل جایگزین شد، که در آن مخالفان در لهستان، مجارستان و جمهوری چک، موج مهاجرت به این کشورها و در نتیجه طرح سهمیه بندی مهاجرین را نوعی خیانت از جانب اتحادیه اروپا علیه خود قلمداد کرده و شدیداً با این تصمیم به مقابله برخاستند (Becker, 2010). اوربان، نخست وزیر مجارستان سردمدار جریان مخالفت گردید و سران کشورهای گروه ویشگراد از وی بشدت حمایت

کردند که در نتیجه منجر به تحریم این کشورها از سوی اتحادیه اروپا بخاطر ناکامی در تحقق تعهداتشان نسبت به طرح سهمیه بندی مهاجرین شد.

مخالفت با پذیرش پناهجویان به موضوع اصلی در مبارزات انتخاباتی از جانب احزاب پوپولیستی در فاصله سالهای ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ در شرق اروپا مبدل شد و احزاب راست افراطی توانستند به خوبی از فضای به وجود آمده بهره برداری نمایند. در مجارستان حزب پوپولیستی و ضد مهاجرین "فیدز"^۱ به رهبری "ویکتور اوربان"^۲ نخست وزیر راست گرای این کشور در انتخابات پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۷، با ۵۲ درصد آرا توانست ۱۳ کرسی از ۲۱ کرسی این کشور را در پارلمان اروپا بدست آورد. وی بعد از نتایج این پیروزی خواستار تغییر و اصلاح ساختار اتحادیه اروپا شد و اعلام کرد: "هرچند ما کوچکیم ولی می‌خواهیم اروپا را تغییر دهیم". وی با این اظهارات، رویکرد تازه‌ای در همگامی باگفتمان دونالد ترامپ علیه مهاجرین آغاز کرد. از جمله موضوعات اصلی مورد تقابل مجارستان با اتحادیه اروپا طرح سهمیه بندی تعداد ۱۶۰ هزار مهاجر در این قاره است که طی آن مجارستان باید تعداد ۱۲۹۴ پناهجو را پذیرا شود. همه اعضای گروه ویشگراد مخالف طرح سهمیه‌بندی مهاجرین از سوی اتحادیه اروپا هستند و در این رابطه مجارستان حتی علیه این طرح به دادگاه اروپایی، اقامه دعوا کرده است. (آسوشیتدپرس، ۱۳۹۶)

۴. مطالعه موردی گسترش پوپولیسم در کشورهای گروه ویشگراد

گسترش پوپولیسم در کشورهای لهستان، مجارستان و جمهوری چک از اعضای گروه ویشگراد در فاصله سالهای ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸:

¹ Fids

² Victor Orban

۱-۴. پوپولیسم در لهستان

در سال ۲۰۱۵ حزب پوپولیستی "قانون و عدالت"، برای اولین بار از زمان سقوط دولت "یاروسلاوکاچینسکی"^۱، که از سال ۲۰۰۷ حزبی پارلمان و دولت لهستان را همزمان در اختیار داشتند، بر آنها پیروز شد. در این پیروزی "آندرژی دودا" و "بیتا زیدو" بطور رسمی به ترتیب رئیس جمهور و نخست وزیر شدند.

به لحاظ اقتصادی، لهستان از زمان فروپاشی دیوار برلین و خروج کشورهای شرقی از ساختار نظام سابق کمونیستی، یکی از کشورهای برتر در منطقه شرق اروپا بوده و رشد سرانه تولید ناخالص داخلی آن از همه کشورهای گروه ویشگراد بیشتر بوده است. از زمان الحاق به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴، شاخص های اصلی و همچنین میانگین درآمد سرانه این کشور بهبود یافت و تنها کشور اتحادیه بود که تا حدودی توانست از رکود حاصل از بحران سال ۲۰۰۸ دور بماند. با این حال درآمد در لهستان هنوز یک سوم کمتر از میانگین اتحادیه اروپا و کمی بیش از یک پنجم متوسط دستمزد در بریتانیا است. فرصت های محدود در این کشور باعث شده است که نزدیک به ۲/۴ میلیون لهستانی (بیش از ۶ درصد از کل جمعیت لهستان) در جستجوی زندگی بهتر به کشورهای اروپای غربی مهاجرت کنند. (owczarek, 2017: 2-12)

حزب پوپولیستی "قانون و عدالت"، در رقابت های طولانی مدت خود برای دستیابی به قدرت، به خوبی توانست از اختلافات داخلی به ویژه از شعار "لهستان در ویرانه" در دوران انتخابات بهره برداری نماید و روایت بهبود شاخص های اقتصادی توسط احزاب رقیب را مورد سوال قرار داده و روایت خود را به روش پوپولیستی جایگزین نماید. رهبری هوشمندانه و شعارهای پوپولیستی وی دقیقاً توانست در پیروزی حزب قانون و عدالت نقش اساسی ایفا نماید (همان منبع). عضویت در ناتو و پیوستن به ساختارهای اتحادیه اروپا از جمله اهداف اصلی سیاستمداران و مردم لهستان در دوران گذار و تحول در این کشور بود. با افزایش

¹ Jaroslav karchinski

نارضایتی از بحران اقتصادی که اروپا را تحت الشعاع قرار داد، اوضاع اقتصادی در میان کشورهای اروپای مرکزی و تا حدودی کمتر در لهستان تحت تاثیر قرار گرفت. اما بحران مهاجران و پناهندگان، بر پیروزی چشمگیر پوپولیست‌ها در انتخابات پارلمانی این کشور در سال ۲۰۱۵ نقش آفرین بوده است. لهستان تا حدودی متمایز از سایر اعضای گروه ویشگراد در برخی مسائل از جمله در جنگ آمریکا علیه عراق مشارکت داشت، در حالی که مجارستان و جمهوری چک موضعی مشترک با اتحادیه اروپا در عدم همراهی با آمریکا در جنگ اتخاذ کردند. (Hellmeyer, 2014)

ایالات متحده روابط نزدیکی با کشورهای گروه ویشگراد بویژه لهستان دارد و کنگره آمریکا بتازگی با فروش تعداد ۳۲ فروند جت‌های جنگنده پیشرفته (اف-۳۵) از سوی دولت ترامپ به لهستان به ارزش ۶/۵ میلیارد دلار موافقت کرده است که می‌تواند توان نظامی این کشور را ارتقا دهد. مقامات لهستان تیز آمادگی خود را با واگذاری پایگاه نظامی و استقرار سامانه دفاع موشکی ایالات متحده در خاک آن کشور اعلام کرده که با واکنش شدید از سوی روسیه روبرو شده‌اند. (اسپوتنیک، ۱۳۹۸)

۱-۴. گفتمان پوپولیسم در لهستان

دال مرکزی گفتمان پوپولیسم در لهستان همگرایی با آمریکا و رقابت با روسیه، متمایز با سایر اعضای گروه ویشگراد است. همچنین مهاجر ستیزی، مخالفت با سیاستهای اعمالی، تحریمی و تبعیض در میان اعضای اتحادیه اروپا، دفاع از هویت ملی و ملی‌گرایی در برابر اروپا گرایی، دفاع سرسخت از مسیحیت کاتولیک در برابر سایر ادیان بویژه اسلام، همگرایی منطقه‌ای در مقابل همگرایی با اتحادیه اروپا، همگرایی سه دریا از جمله موارد گفتمان پوپولیسم در لهستان است که در شکل (۱) نشان داده شده است.



شکل (۱): تصویر استعاری گفتمان دولت پوپولیست لهستان



منبع نظرسنجی: (Statistic Poll: ID 695623)

۳-۴. پوپولیسم در مجارستان

حزب راست‌گرای افراطی فیدز، طی دو دوره پیاپی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ به طور قانونی همچنان در قدرت باقی مانده است. پیروزی مجدد در انتخابات ۲۰۱۸، این حزب را وارد سومین دور تشکیل دولت به رهبری ویکتور اوربان نخست وزیر پوپولیست در این کشور نمود. پیروزی حزب فیدز که با دو سوم اکثریت قاطع آرا در آوریل ۲۰۱۸ رقم خورد طولانی‌ترین دوران را در میان تمامی احزاب پوپولیستی در کشورهای ویشگراد به نمایش گذاشته است. در این رابطه نمی‌توان نقش اوربان به عنوان رهبری کاریزما در پیروزی این حزب را نادیده انگاشت.

گفتمانی که توسط حزب فیدز در طول دو دوره پیاپی در مجارستان پیگیری شده بر اساس تمرکز بر توهمات پوپولیستی "آنها" و "ما" و تاکید بر مشکلات اقتصادی آن کشور ناشی از بحران مهاجرین و پناهجویان در شرق اروپا، رمز موفقیت این حزب تا کنون بوده است (Hegedus, 2018:75) در گفتمان احزاب پوپولیستی اروپای شرقی مفهوم "آنها" در درجه اول نخبگان و تعمیم آن به انواع دیگر از جمله اتحادیه اروپا، مهاجران و پناهجویان و هرگونه نیروهای توسعه گر خارجی را شامل می‌گردد. اوربان در نخستین سخنرانی خود در انتخابات سال ۲۰۱۰، از شرکت‌های چند ملیتی، اتحادیه اروپا و نخبگان سیاسی لیبرال سابق در مجارستان که با روند بازسازی و توسعه ملی در آن کشور مخالف بوده انتقاد و با آنها به شدت مقابله می‌کند. وی می‌افزاید ما آسیب پذیر شده ایم، زیرا سیاست‌های به کار گرفته شده در گذشته منجر به بدهی‌های فراوان، بیکاری، فساد گسترده و سوء استفاده از قدرت و افزایش جرائم و ورشکستگی در این کشور شده و همچنان با اینگونه مقوله‌ها مواجه هستیم. وی در سخنرانی سال‌های بعد به صراحت از اتحادیه اروپا نیز انتقاد می‌کند که قصد دارد مجارستان را به عنوان مستعمره درآورده و آن را به عنوان کشوری درجه دو با مزایایی اندک در نظر گیرد. (سخنرانی اوربان در دانشگاه بوداپست، ۲۰۱۱). نخست وزیر مجارستان در سخنرانی‌های بعد از سال ۲۰۱۵، توجه ویژه‌ای به همگنی و همگرایی فرهنگی و قومی و

فرهنگ بومی ملت مجارستان در مقابله با بحران پناهجویان و مهاجران خارجی داشته که به وضوح آن را از دوران قبل متمایز می نماید. وی در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در همان سال، ادعا می کند که سازمان های تروریستی از میان مهاجران در بخش های غربی اروپا، جنگجویانی استخدام می کنند در حالی که مرزهای جنوبی اتحادیه از جمله مرز های مجارستان با امواج این گونه پناهجویان روزانه محاصره و تهدید می شوند. وی می افزاید با افزایش موج پناهجویان، دولت ها به طور فزاینده در حال از دست دادن ثبات و امنیت شان هستند و رویکرد چند فرهنگی خطری جدی برای فرهنگ اروپایی به شمار می آید و در ادامه با لفاظی تهدید می کند به مهاجران اجازه نخواهیم داد تا مردم مجارستان را از کار اخراج نمایند. وی زنجیره ای از مفاهیم کلیدی از جمله امنیت، حاکمیت و حفظ ترکیب قومیتی، فرهنگی و مذهبی را برای ملت مجارستان در برابر خطر مهاجرین و پناهجویان پیشنهاد می کند و بر حفاظت از مرزها و ایجاد حصارهای مرزی میان مجارستان با صربستان و کرواسی تاکید نموده و مخالفت خود را با سهمیه بندی مهاجران از سوی اتحادیه اروپا به صراحت اعلام می دارد. (Segber, 2018)

فراکنی های اوربان نخست وزیر و رهبر حزب فیدز در مراحل مختلف به خوبی نشان می دهد که وی و حزبش تاکنون موفق شدند تا با رویکردهای پوپولیستی ناشی از برخی توهمات، بر چالش های درونی جامعه و حفظ جایگاه خود در پارلمان و دولت فائق آمده و بیش از دو دوره پیاپی همچنان در قدرت پیشتاز باشند.

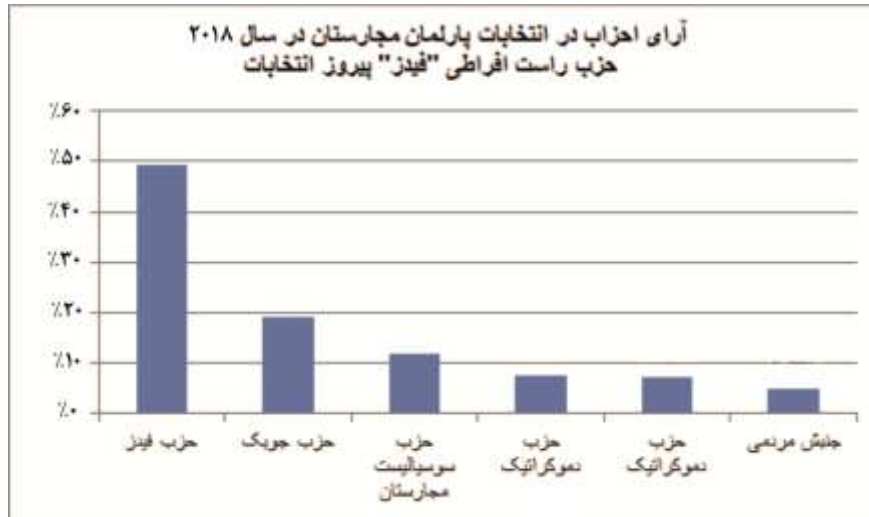
۱-۳-۴. گفتمان پوپولیسم در مجارستان

دال مرکزی گفتمان پوپولیسم در مجارستان مهاجر ستیزی است، که اوربان نخست وزیر مجارستان سردمدار این جریان می باشد. برخلاف لهستان و به جهت وابستگی به گاز روسیه، اوربان همواره تلاش نموده تا روابط خوبی با مسکو داشته باشد. همچنین ضدیت با نخبگان، حمایت از ملی گرایی افراطی، دفاع از هویت ملی در مقابل اروپا گرایی، مخالفت با سیاستهای اعمالی، تحریمی و تبعیضی اتحادیه اروپا، همکاری با روسیه و همگرایی با آمریکا، حمایت از

مسیحیت در برابر اسلام، بومی‌گرایی در مقابل جهان‌گرایی، حمایت از دموکراسی غیرلیبرال و حمایت از طبقه متوسط و کارگر از جمله موارد گفتمان پوپولیسم در مجارستان است که در شکل (۳) نشان داده شده است.



شکل (۲): تصویر استعاری گفتمان دولت پوپولیست مجارستان



(Statistic Poll: iD 895670): منبع نظرسنجی

۴-۴. پوپولیسم در جمهوری چک

"آندرژ بابیس"، وزیر سابق دارایی چک، فرد میلیاردر و رهبر و بنیانگذار جنبش سیاسی اعتراضی "آنو" به معنی آری، پیروز انتخابات سراسری در اکتبر ۲۰۱۷ در این کشور شد. حزب آنو، با کسب ۳۰/۴ درصد کل آرا پیروز انتخابات گردید و رهبر آن از سوی رئیس جمهور اجازه یافت تا دولت ائتلافی تشکیل دهد. چهار سال قبل، این حزب تنها توانست ۷/۱۸ درصد آرای انتخابات پارلمانی را به دست آورد. وی منتقد اتحادیه اروپا و موافق سیاستهای دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا بالاخص رویکرد پوپولیستی وی در قبال مهاجرین است و با شعار مخالفت با نخبگان سیاسی و نهادهای قدرت به میدان رقابت آمد و توانست بر رقبای خود پیروز شود (BBC, 2017). رسانه‌های چک از "بابیس" که سرمایه دار بزرگی است با عنوان "ترامپ چک" یاد می‌کنند. زیرا وی در شعارهای انتخاباتی اش وعده‌هایی مشابه وعده‌های ترامپ به رای دهندگان چک داده است. پیروزی وی مانند ترامپ، شکستی برای جریان‌های چهره‌های سنتی در سیاست آن کشور بود. وی با شعارهایی علیه پناهجویان و مخالفت با الحاق جمهوری چک به حوزه پولی یورو، وارد کارزار انتخاباتی

شد. وی با ۴ میلیارد دلار دارایی، دومین ثروتمند چک معرفی شده است. "بایس"، پیش‌تر وزیر دارایی چک بود و در سال ۲۰۱۷ به ظن کلاهبرداری و تقلب مالیاتی از این مقام خلع شد. وی صاحب شرکت‌های مواد غذایی، فرآورده‌های شیمیایی و کمپانی معروف "آگروفروت" است. وی اتهام اختلاس را رد کرده، هرچند این پرونده همچنان مفتوح است. "میلوش زمان" رئیس‌جمهور چک، قبلاً گفته بود که مسئولیت تشکیل دولت را به پیروز انتخابات پارلمانی خواهد سپرد. نخست‌وزیر جدید چک معتقد است که اتحادیه اروپا با اقدامات خود از جمله تحت فشار قراردادن کشورهای عضو برای پذیرش سهمیه مهاجران، باعث گسترش پوپولیسم و رشد و نفوذ احزاب افراطی در شرق اروپا شده است. وی خاطرنشان می‌کند اگر اتحادیه اروپا به ما توجه لازم نکند در آن صورت احزاب رادیکال تراز حزب "آنو"، گسترش و نفوذ بیشتری در آن کشور خواهند داشت. نخست‌وزیر چک همچنین تأکید می‌کند موضع ما در برابر مهاجران خارجی کاملاً آشکار است و کمیسیون اروپا باید راه حلی برای مقابله با پدیده مهاجرت غیرقانونی پیدا کرده و به نظرات اعضای گروه ویشگراد که مخالف با حضور پناهجویان در کشورشان هستند احترام گذارد. (Sicar, 2017)

۱-۴-۴. گفتمان پوپولیسم در جمهوری چک

دال مرکزی گفتمان پوپولیسم در جمهوری چک حفظ تعادل در مناسبات با روسیه و آمریکا است. جمهوری چک سعی دارد تا روابط خوب و متعادلی با روسیه و آمریکا ایجاد نماید. همچنین مهاجر ستیزی، مخالفت با سیاست‌های اعمالی، تحریمی و تبعیضی اتحادیه، دفاع از هویت ملی و ملی‌گرایی در مقابل اروپا‌گرایی، اسلام‌ستیزی و همگرایی با گروه ویشگراد در مقابل اروپا‌گرایی از جمله موارد گفتمان پوپولیسم در جمهوری چک بوده، که در شکل (۴) نشان داده شده است.



شکل (۳): تصویر استعاری گفتمان دولت پوپولیست جمهوری چک

نتیجه گیری

احزاب و جنبش های راست افراطی معمولاً از مشکلات و معضلات موجود برای پیشبرد اهداف و موفقیت های خود بهره می گیرند و سعی در بزرگنمایی مشکلات جهت رسیدن به اهداف شان را دارند. احزاب پوپولیست در شرق اروپا کوشیده اند از شرایط و وضعیتی که در اثر رکود اقتصادی و بحران منابع در این جوامع ایجاد شده به خوبی گفتمان سازی نموده و اهداف خود را پیش برند. بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ کمک کرد تا احزاب پوپولیستی در اروپا بر این موج سوار شده و ناکارآمدی دولت هایشان را متوجه احزاب سنتی حاکم نمایند و با شعارهایی در مخالفت با اقتصاد نئولیبرال و نابرابری و فساد، خواهان تثبیت دولت رفاه با برخی گرایش های سوسیالیستی شوند. احزاب پوپولیست از توزیع نابرابر منابع و درآمدها و کاهش فرصت های شغلی مردم بومی کشورشان انتقاد داشته و حضور پر تعداد مهاجران را عاملی مهم در این راهبرد می دانند.

با توجه به اینکه پدیده پوپولیسم معلول و زاییده بحران هاست، هم زمان با شروع بحران اقتصادی و سپس بحران پناهجویان در شرق اروپا، احزاب راست افراطی بخوبی توانستند جایگاه خود را در ساختار قدرت و تشکیل دولت با گرایش های پوپولیستی در میان کشورهای گروه ویشگراد تثبیت و تداوم بخشند.

احزاب پوپولیست در شرق اروپا همچنین بر حفظ هویت این گونه جوامع تاکید فراوان داشته و با رویکرد چند فرهنگی و کم رنگ شدن هویت ملی شان به شدت مخالف می باشند. احزاب پوپولیست حضور مهاجران خارجی به ویژه اسلام گرایان رادیکال در شرق اروپا را تهدیدی جدی برای امنیت مردم در این گونه جوامع و تضعیف هویت ملی شان می دانند. از نظر آن ها اتحادیه اروپا در جلوگیری از تشدید بحران در این جوامع کارنامه درخشانی نداشته است. احزاب پوپولیست در لهستان، مجارستان و تا حدودی جمهوری چک، میراثی از ایده های کمونیسم و سوسیالیسم را همراه دارند که به ایده های سیاسی اقتدارگرایانه منتسب می شوند. مصداقی از تأثیر رویکرد ضد مهاجرتی از سوی احزاب پوپولیست را در پیروزی و به قدرت رسیدن آن ها در دولت های لهستان، مجارستان و جمهوری چک در فاصله سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ به خوبی می توان مشاهده کرد. آنها با ابتکار عمل و بهره گیری از شرایط جامعه، اقدام به بزرگنمایی ناکارآمدی و فساد دولتمردان و احزاب سنتی نموده و با به چالش کشیدن عملکرد آنها، توانستند به پیروزی در انتخابات دست یافته و در ساختار قدرت جای گیرند.

احزاب پوپولیست در شرق اروپا بسیار متنوع بوده و طیف گسترده ای با گفتمان های متعدد از جمله بیگانه هراسی، نژادپرستی، ملی گرایی و نفرت از مهاجران و کولی ها، اسلام ستیزی و تحقیر لیبرالیسم را شامل می گردند. بحران های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه بحران مهاجران، کمک کرد تا پوپولیست ها بذر نگرانی، ترس و نا امیدي را در دل شهروندان مرکز و شرق اروپا پراکنده کنند و تنها خود راناجی و حلال مشکلات معرفی نمایند. گسترش پوپولیسم و رشد احزاب راست افراطی طی یک دهه اخیر در شرق اروپا، متاثر

از متغیرهای داخلی (درونزا) هم چون عوامل اقتصادی ، اجتماعی و امنیتی ، متعاقب با رویدادهایی چون بحران های اقتصادی ، مهاجرین و بحران هویتی بر بی نظمی و اختلالات داخلی در کشورهای شرق این قاره بر اساس نظریه آشوب افزوده است. از سویی دیگر، رویدادهایی چون فراندوم خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) و پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۶ به عنوان عوامل شتاب دهنده و متغیرهای خارجی (برونزا) متأثر از اثر پروانه ای در شدت بخشیدن و گسترش پوپولیسم در میان کشورهای گروه "ویشگراد"، نقشی اساسی ایفا کرده اند.

منابع:

- اندیشکده تونی بلر، (۱۳۹۶)، ۴، آبان، «گسترش راست افراطی در اروپا»، **دیپلماسی ایران**.
- "بحران مالی و اقتصادی"، (۲۰۰۸)، ۲۴ فوریه، یورونیوز.
- تاگیف، یرآندره و لیوژیه، رافائل (۱۳۹۶)، **ظهور پوپولیسم ملی نو**، منصوره وثوقی، تهران: انتشارات چاپخش.
- حسینی زاده و دیگران، (۱۳۹۷). «پوپولیسم راست در اروپای غربی و آمریکا و زمینه‌های شکل‌گیری آن»، **فصلنامه رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی**، دوره ۱۰، شماره ۱ (۵۵)، پاییز.
- "خرید جنگنده (اف-۳۵) از سوی لهستان"، (۱۳۹۸)، ۱۲ فوریه، خبرگزاری اسپوتنیک
- "سهمیه مهاجران در اروپا"، (۲۰۱۷)، ۱۱ سپتامبر، آسوشیتد پرس.
- دهشیری، محمدرضا و قاسمی، روح‌الله، (۱۳۹۶). خیزش راست افراطی و تأثیر آن بر آینده مسلمانان در اروپا، تهران، مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی، وزارت امور خارجه.
- روزنا، جیمز، (۱۳۸۴). آشوب در سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران، انتشارات روزنه.
- عسکری، حسن (۱۳۹۶). "پوپولیست‌های راستگرا، همچنان پاشنه آشیل برای اروپا"، **ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها**، شماره (۳۰۴)، وزارت امور خارجه.
- مولر، یان ورنر، (۱۳۹۶). پوپولیسم چیست؟ ترجمه بابک واحدی، تهران، نشر بیدگل.
- ناوارپو، وینسنت، (۱۳۹۸)، سی‌ام فروردین، "پوپولیسم: ظهور غیرمنتظره یک تفکر افراطی"، ترجمه طلا سلیمی، دیپلماسی ایرانی.

- نقیب زاده، احمد (۱۳۹۱)، «بحران مالی و اقتصادی ۲۰۰۸». فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، پائیز.
- الوانی، سیدمهدی و دانایی فرد، حسن (۱۳۸۷). «تصمیم گیری از نگاه نظریه آشوب»، تحول ادواری، دوره پنجم، شماره (۲۱).
- Gros, Daniel and Steinherr, (2008), "**Economic Transition in Central and Eastern Europe**" Cambridge University Press, UK.
- P. Ramet, Sabrina, (2010), **Central and Southeast European Politics Since 1989**. Cambridge University Press, UK.
- Balazs, Peter. (2014), "**25 years after the fall of the iron curtain**", the state of integration of East and West in the European Union, directorate-general for research and innovation inclusive and reflective societies, pp. 42-60, European Commission, Brussels.
- Becker, Jans. (2010), January. "**The rise of right-wing populism in Hungary**" Seer journal for labour and social affairs in Eastern Europe, pp. 29-40, Germany.
- Berman, Sheri, (2018), politics, **pessimism, and populism**, "Social Europe, pp. 16-22, October, 2018, Brussels.
- Cisar, Ondrej and Stotka, (2017), "**Czech Republic: the rise of populism from the fringes today Main Stream**". Loughborough University, England.
- Hegedeus, Daniel, (2018), "**Rethinking the Incumbency Effect. Radicalization of Governing populist Parties in East Central Europe. A case study of Hungary**". Published by: The Institute of Marshal Fund in Germany.
- Hellmeyer, Monika, (2014), "**The Impact of the Central and Eastern European EU Member States on the EU Foreign Policy (2004-2013)**". The London School of Economics and Political Science, UK.
- Owczarek, szelenyi (2017), "**The Rise of populism in Central and Eastern Europe**" .paper prepared for ECPR joint Sessions of Workshops in Berlin.
- Schmidt, Andrea (2017), "**Friends forever? The Role of the Visegrad Group and European Integration**". Politics in central Europe, ISSN, Vol. 12, No. 3
- Segber, klaus. (2018), "**Introduction populism in Europe**", Centre of Global politics. free University, Berlin.

- Sierakowski, slawomir. (2016),February 8, “**How Estern Europe populism is different.**” Social Europe, Brussel.
- Skolkay,Andrej. (2018) “**Populism in Central Eastern Europe**”.Thinking Fundamentals,IWM junior visiting fellows, Vol. 9: Vienna.
- Sicar, Stekta (2017),”**Central and Eastern Europe in The Process of Europeanization and globalization.**Center of Research for easten Europe,prague.
- “**Czech Elections**” (2017), 23,October,BBC NEWS.
- **Parlamiamentary Election vote Share in Eastern Europe (2015-2018), Statistic poll**,Euronews October 25,2018.